

بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز

سارا مصلائی راد

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نازنین ملکیان^۱

استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

چکیده

امروزه گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تغییر در تعاملات اجتماعی در خانواده‌ها شده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز است. این پژوهش از نظر روش، پیمایشی و ابزار اندازه‌گیری آن پرسشنامه است. جامعه آماری شامل کاربران فضای مجازی است که درگیر طلاق هستند و در مراکز مشاوره خانواده طی سال‌های ۹۷-۹۹ تشکیل پرونده داده‌اند که تعداد ۴۵۰۰ پرونده در استان البرز می‌باشد. به منظور محاسبه حجم نمونه با توجه به جدول مورگان حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شده است. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین ارتباطات بین فردی در شبکه‌های اجتماعی و جدایی و فاصله زوجین، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراهی و بی‌حوصلگی ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. هرچه افراد از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده کنند و درگیر این فضا شوند، بیشتر اقدام به پنهان کاری و سرد شدن روابط با زوج و در دراز مدت باعث ظاهر سازی و ریاکاری بین خود خواهند کرد که در نهایت منتج به طلاق عاطفی می‌شود.

کلمات کلیدی: طلاق عاطفی، ارتباطات بین فردی، شبکه اجتماعی، اینستاگرام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است و وارد آمدن هرگونه آسیب بر این نهاد، کارکردهای آن را در جامعه دچار نقصان می‌کند. یکی از این آسیب‌ها طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی به سردی روابط میان زن و شوهر گفته می‌شود که در این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی به سردی تمام روابط یک زوج منجر میشود. رابطه ضعیف در ارتباط عاطفی زن و شوهر می‌تواند به سردی سایر روابط یک زوج مانند رابطه روحی، جسمی، عاطفی و حتی کلامی آنها منجر شود؛ وجود این مشکل در یک رابطه باعث بی‌مهری و کم شدن محبت در خانواده می‌شود. طلاق عاطفی را اولین مرحله فرایند طلاق می‌دانند و بیانگر رابطه‌ی زناشویی رو به زوال است که احساس تلخ بیگانگی جایگزین یگانگی و صمیمیت شده است (عبدالهی، ۱۳۹۲: ۱۸). جامعه ایران مانند بسیاری از جوامع ارزشی، در دوران گذار از سنت به مدرنیته، در رویارویی با فرایند جهانی شدن و با ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات، با چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی نوپدیدي مواجه است. بخشی از این چالش‌ها و آسیب‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم به ظهور و توسعه رسانه‌های نوین باز می‌گردد. از بین انواع مختلف فناوری‌ها و رسانه‌ها در دو دهه اخیر، ماهواره و فضای مجازی، بیش از دیگران در معرض اتهام برای تغییرات، تحولات و انحرافات اجتماعی بوده‌اند. به دلیل ضعف سواد رسانه‌ای در کشور، جامعه و خانواده ایرانی، به شکل مضاعفی در معرض آسیب‌های نوپدید حاصل از این رسانه‌ها قرار گرفته‌اند (تقی زاده، ۱۳۹۱). خانواده ایرانی، از جمله مهمترین کانون‌هایی است که فضای مجازی، ساخت سنتی آن را دگرگون کرده است.

گسترش اینترنت همراه با تغییر ارزشها، نگرشها و کنشهای افراد، سبکهای متفاوتی از دوستیها و آشناییها و رابطه‌ها را رقم زده و مرزبندی سنتی و مدرن رایج در جامعه را درهم شکسته است که در آن زنان و مردان می‌توانند به طور همزمان و نامحدود، فارغ از زمان و مکان از طریق ایمیل یا اتاقهای گفت‌وگوی مجازی به تعامل مجازی با یکدیگر بپردازند (درستانی و روحانی، ۱۳۹۳: ۵۹). باومن میگوید هر کدام از افراد خانواده با استفاده از تلفن همراه، دنیای مجازی و شبکه پیوندهای خاص خود را ساخته و در آن به سر می‌برند. اینترنت و فضای مجازی باعث گردیده است افراد یک خانواده با استفاده از آنها و ارضای نیازهای مختلف خود - اعم از اقتصادی، عاطفی، جنسی - هریک جزیره‌ای در خود گردیده و دیگر خانه‌ها جزایر گرم صمیمیت در وسط دریا‌های خلوت و تنهایی نیستند.

بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی83

خانه‌ها از زمین بازی مشترک عشق و دوستی به محل مخاصمات ارضی و از ساختمان اتحاد و مودت به پناهگاه زیرزمینی سنگربندی شده، تبدیل شده اند. ما به داخل خانه‌های خود قدم گذاشته‌ایم و در را بسته‌ایم، و سپس به داخل اتاقهای جداگانه خود میرویم زیرا افراد دیگر "ما"یی در اطراف خود به گونه عینی نمی‌بینند بلکه همه "من" شده‌اند (باومن، ۱۳۹۴: ۳۴). آجای (۱۹۹۵) استدلال می‌کند که مردم به طور روز افزون، زمان و فرصت بیشتری را با تکنولوژی نسبت به اطرافیان و دوستانشان صرف می‌کنند. برای بسیاری از مردم رفتن به اینترنت یک راه کنار آمدن با جامعه‌ای است که مردم آن، روز به روز از همدیگر کناره گیرتر میشوند. ارتباطات رایانه‌ای تأثیرات اجتماعی را با نبودن رفتارهای غیر کلامی مانند صحبت نکردن، خیره شدن و مانند آن کاهش می‌دهد (به نقل از امیدوار و صارمی، ۱۳۸۱: ۶۴). تغییر در نظام ارزشی حاکم بر جامعه و به تبع آن خانواده‌های ایرانی بعد از پایان جنگ تحمیلی و به موازات گسترش رسانه‌هایی مانند ویدئوهای خانگی به تدریج آغاز و در دهه هشتاد و نود، به ویژه همزمان با ورود و گسترش فناوری‌های نوینی چون ماهواره و اینترنت بر شدت آن افزوده شد (اسکندری و کاظمی، ۱۳۹۳). در دنیای امروز در بحث از تعاملات اجتماعی در خانواده‌ها، مفهوم شبکه‌های اجتماعی یکی از مفاهیم موثر و مهم مخصوصاً در تعاملات بین فردی محسوب می‌شود. علاوه بر اینها گزارشات متعدد از تحقیقات درباره تأثیرات شبکه‌ها یا رسانه‌های اجتماعی حاکی از توان بالقوه این رسانه‌ها در آسیب رسانی به نهاد خانواده به طور کلی و کیفیت روابط زوجین به طور خاص می‌باشد. در این میان یکی از شبکه‌های اجتماعی بسیار پرکاربرد که جای خود را در بین خانواده‌ها باز کرده، اینستاگرام است. آمارهای مربوط به کاربران در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد ۶۸ درصد کاربران اینستاگرام زنان هستند. تعداد کاربران فعال ماهانه در اینستاگرام ۱ میلیارد نفر و تعداد کاربران فعال روزانه در اینستاگرام ۵۰۰ میلیون نفر می‌باشند. تعداد کاربران فعال در استوری به صورت روزانه ۴۰۰ میلیون نفر و تعداد حساب‌های کسب و کار در اینستاگرام ۲۵ میلیون است. تعداد لایکها در هر روز ۴.۲ میلیارد لایک، تعداد عکس‌ها و ویدیوهای آپلود شده در هر روز ۱۰۰ میلیون است. همچنین ۳۲ درصد کاربران اینترنت از اینستاگرام استفاده می‌کنند. ۵۹ درصد کاربران اینترنت بین سنین ۱۸ تا ۲۹ از اینستاگرام استفاده می‌کنند و ۳۳ درصد کاربران اینترنت بین سنین ۳۰ تا ۴۹ از اینستاگرام بهره می‌برند. ۳۸ درصد زنان و ۲۶ درصد مردان از کاربران اینترنت از اینستاگرام استفاده می‌کنند. انتخاب ۷۸ درصد اینفلوئنسرها و تاثیرگذاران دنیا،

اینستاگرام است (خطیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). در ایران نیز بر اساس آمارهای اعلام شده از سوی مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت ارشاد و فرهنگ اسامی، حدود ۳۰ درصد از مردم ایران در شبکه اجتماعی اینستاگرام فعالیت دارند و دارای صفحه هستند. انتشار روزانه هزاران پست اینستاگرامی از طرف کاربران ایرانی در صفحه اینستاگرام نشان دهنده حضور فعال ایرانی‌ها در این شبکه است. همچنین بیشتر از ۷.۵ میلیون نفر از جمعیت ۱۶ تا ۳۵ ساله مردم ایران در شبکه اجتماعی اینستاگرام عضو هستند. بر اساس آمارهای رسمی از کاربران اینترنت در ایران، ۳۱ درصد از کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام را خانم و ۲۱ درصد از کاربران این شبکه اجتماعی را مردان تشکیل می‌دهند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۷/۹، شماره ۴۷۱۸). با توجه به استفاده از شبکه اجتماعی اینستاگرام در بین خانواده‌های ایرانی و زوجین و اینکه طلاق عاطفی بعد پنهان در وقوع طلاق رسمی است، از این رو مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا رابطه معناداری بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله زوجین، احساس تنهایی و انزوا و نیاز به همراهی و هم‌صحبتی و بی‌قراری و بی‌حوصلگی در زوجین وجود دارد؟ همچنین هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین می‌باشد.

فرضیه اصلی:

بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با میزان طلاق عاطفی در بین زوجین استان البرز رابطه معناداری وجود دارد.
فرضیات فرعی:

بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراهی و هم‌صحبتی در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

85..... بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

مطالعات مختلفی با محوریت تاثیرات شبکه‌های اجتماعی و طلاق زوجین صورت گرفته است، بدین ترتیب که موحد و همکاران (۱۴۰۱)، در تحقیقی نتیجه‌گیری می‌کنند که بین ابعاد اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل با طلاق عاطفی و آمادگی طلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از بین ابعاد اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل یعنی عملکرد فردی، مدیریت زمان، خودکنترلی و روابط اجتماعی، دو بعد عملکرد فردی و خودکنترلی توان پیش‌بینی طلاق عاطفی و بعد خودکنترلی توان پیش‌بینی آمادگی طلاق را دارد. نقشبندی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در تحقیقی نتیجه‌گیری می‌کنند که بین مصرف رسانه، محتوای رسانه و طلاق عاطفی زنان متأهل شیراز رابطه وجود دارد. همچنین بهادری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای اعلام کردند که بین استفاده از فضای مجازی و نوع عضویت در فضای مجازی و طلاق عاطفی همسران رابطه وجود دارد. تحقیق دیگری توسط رهگذر و همکاران (۱۳۹۹) انجام شد و نتایج نشان داد که بسیاری از طلاق‌های صورت گرفته متأثر از تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها در اثر استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. غلامزاده بافقی و جمالی بافقی (۱۳۹۷)، طی مطالعه‌ای نشان دادند که میزان رضایت زناشویی افراد عضو در شبکه‌های اجتماعی از افراد غیرعضو در این شبکه‌ها کمتر و عضویت در شبکه‌های اجتماعی باعث کاهش رضایت زناشویی در درازمدت می‌گردد. همچنین صیادی و عطایی (۱۳۹۶)، طی مطالعه‌ای به تحلیل جامعه‌شناختی "تاثیر استفاده از اینترنت بر روابط افراد در خانواده" پرداختند و نتیجه گرفتند که کیفیت و کمیت استفاده از اینترنت، بر ارتباطات افراد تاثیر داشته است. نتایج پژوهش ملکیان و بهادری (۱۳۹۶)، نشان داد که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و صمیمیت زوجین، تعهدات، علاقه و محبت بین زوجین رابطه منفی و معناداری وجود دارد و استفاده از شبکه‌های مجازی به کاهش روابط زوجین منجر می‌گردد. یافته‌های اسکافی و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان داد که حمایت، انسجام، قوت پیوند، صمیمیت و فعالیت‌های مشترک در صمیمیت با همسر مؤثر است و صمیمیت با همسر بیشترین اثر را در طلاق عاطفی دارد. همچنین رحیمی و همکاران (۱۳۹۴)، نتیجه گرفتند که بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط عاطفی زوجین، سردی روابط جنسی زوجین، سردی روابط خانوادگی زوجین، سردی روابط خویشاوندی زوجین و سردی

روابط اجتماعی زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. صباغی (۱۳۹۴)، نیز طی مطالعه‌ای نتیجه گرفت که نوع، میزان و محل استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر روی ارتباطات نامتعارف میان فردی تاثیر گذار است. یافته‌های پژوهش یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، نشان داد که بین طلاق عاطفی و شش بعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد. ژنگ و همکاران (۲۰۱۹)، دریافتند که تأثیر اشتراک اینترنت باند پهن بر طلاق در مناطقی که سطح تحصیلات پایین دارند و همچنین مناطقی که نرخ رشد درآمد بالاتری دارند، بیشتر است، تحت تأثیر خدمات پیام رسانی فوری قرار گرفته و در انتشار اطلاعات مربوط به طلاق نقش اساسی دارد. والنزولا و همکاران (۲۰۱۴)، نتیجه گرفتند که کاربرد شبکه‌های اجتماعی با کیفیت ازدواج و خوشبختی، ارتباط منفی و با تجربه یک رابطه مشکل‌دار و فکر درباره طلاق، ارتباط مثبت دارد. راسل و کلایتون¹ (۲۰۱۴)، نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی با فراهم آوردن زمینه روابط عاشقانه با افرادی غیر از همسر، باعث خیانت زناشویی شده و در نهایت به طلاق ختم میشود. با توجه به مروری که بر مطالعات مشابه پیشین انجام شد، دریافتیم که در راستای تاثیرات اینترنت بر روابط زوجین مطالعاتی در داخل و خارج صورت گرفته اما مطالعه‌ای که به طور خاص تاثیر شبکه اجتماعی اینستاگرام را بر روابط بین فردی که منجر به طلاق می‌گردد را مورد بررسی قرار نداده‌اند و از این رو تحقیق حاضر به این امر پرداخته است.

امروزه در سایه تحولات شگفت‌انگیز تکنولوژی‌های رسانه‌ای و به ویژه اینترنت، شاهد شکل‌گیری نوع جدیدی از تعاملات به خصوص در بین همسران هستیم. لی رینی و بری ولمن² (۲۰۱۲) معتقدند با ظهور فناوریهای نوین و ابزارهای ارتباطی در جامعه امروزی، تعاملات انسانها با یکدیگر دچار یک تغییرات پارادایمی اساسی شده است، گذار از گروه‌های اجتماعی همبسته به شبکه‌های اجتماعی پراکنده و فردی شده‌ای که نام این وضعیت فردگرایی شبکه‌ای است. افراد به جای اینکه در گروه‌ها قرار داشته باشند، بصورت فزاینده‌ای به عنوان افرادی شبکه‌ای شده، رفتار می‌کنند. در جهان افراد شبکه‌ای شده، این فرد است که در مرکز توجه قرار دارد و نه خانواده (رینی و ولمن، ۲۰۱۲: ۶).

¹. Russell & Clayton

². Lee rainie & barry Wellman

87 بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

در دیدگاه طلاق به عنوان فرایندی روانی اجتماعی، افراد از طریق تفکر منطقی در جهت سود بیشتر و هزینه کمتر هستند. تئوری تبادل اجتماعی برای درک فرایند طلاق به عنوان یک کارکرد ارزیابی هزینه‌ها و سودها رابطه زناشویی استفاده شده است. گاتمن (۱۹۹۳)، چهار مرحله روانی اجتماعی فرایند طلاق را ایجاد کرده است. ۱. تصمیم: زمانی که مشکلات و تغییراتی در ازدواج رخ می‌دهد زوجین یا برای حل این مشکلات تلاش می‌نمایند یا بدلیل هزینه‌های زیاد ازدواج شروع به فرایند طلاق می‌نمایند. ۲. جدایی: مرحله دوم با جدایی جسمی زوجین مشخص می‌شود. گاتمن تاکید کرده زمان جدایی با دوره زمانی طولانی بین تصمیم به جدایی و تاریخ دقیق جدایی با تروما و افسردگی کمتر برای هر دو زوج همراه است. ۳. مبارزه: بعد از جدایی جسمی، افراد باید زندگی خودشان را به درون دو خانه جداگانه هدایت نمایند. سازگاری می‌تواند ناکام کننده و دردناک باشد. ۴. غلبه: مرحله نهایی فرایند روانی اجتماعی با واقعیت‌سازی سودمندی‌های زندگی بعد از طلاق بیشتر از هزینه‌های طلاق مشخص می‌شوند (مک کوپیل، ۱۳۸۵: ۶۷). به اعتقاد پل یوهنن، چنانچه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند، تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک زندگی و نگرش باید طی شود. وی شش مرحله متداخل طلاق را متمایز می‌سازد که زوجی که از یکدیگر جدا می‌شوند ناچارند آنها را پشت سر بگذارند. همه این مراحل ممکن است دشواری‌ها و تنش‌هایی را پدید آورد که بر زن و شوهر، فرزندان، خویشاوندان و دوستان آنها اثر گذارد. اولین مرحله طلاق از نظر یوهنن، مرحله طلاق عاطفی است (به نقل از اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۳۴). طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود بگیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه آن، خانواده صرفاً ساختار بیرونی‌اش حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی می‌باشد، در این حالت، زوجین بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می‌کنند ولی روابط سازنده و مناسبی ندارند. طلاق رسمی به معنای طلاق عاطفی است یعنی پیش در آمد طلاق رسمی و قانونی، همیشه طلاق عاطفی است (پروین و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۲۱). در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود ولی در واقع خانواده در درون تهی است، چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و رابطه منفی عاطفی جای آن را گرفته است و زوجین فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که سایر ارتباط‌های بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است (اخوان تفتی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). شاید زن و شوهر تا پایان عمر مانند یک گروه اجتماعی در کنار هم بمانند، اما جاذبه اعتماد طرفین

در دره عمیق فاصله سقوط کرده است (حاجی زاده میمندی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷). پل هانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. به عقیده او زن و شوهر اگر چه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۸). طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام، و محبت به یکدیگر است. همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگر عمل می‌کنند و هر کدام به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری است (همان، ۲۱). طلاق عاطفی عموماً در سال‌های نخست زندگی رخ نمی‌دهد. در سال‌های نخست هر چقدر هم که معیارهای انتخاب همسر سطحی باشد، میان زن و شوهر کشش‌ها و علایقی وجود دارد یا حتی اگر علاقه‌ای در این حد وجود نداشته باشد این امید وجود دارد که ممکن است شرایط تغییر کند. معمولاً طلاق عاطفی از سال‌های پنجم و ششم زندگی شروع می‌شود؛ یعنی وقتی که افراد امید به تغییر همسر را از دست می‌دهند و البته از طلاق رسمی هم ناامید هستند و به تدریج فاصله میان آنها بیشتر و بیشتر می‌شود. در طلاق‌های عاطفی اینگونه نیست که لزوماً دو نفر هیچ ارتباط عاطفی‌ای با یکدیگر نداشته باشند. در نوعی از طلاق عاطفی با توجه به تغییر موقعیت، تغییرات خلقی و روانی که در افراد رخ می‌دهد، ممکن است رابطه بین زوج بهبود پیدا کند یعنی میزان عدم علاقه کاهش یا افزایش پیدا کند اما این بهبود موقت است و با تغییر شرایط دوباره وضعیت به حالت قبلی بر می‌گردد تا جایی که دیگر روابط زناشویی آنها حذف می‌شود و آنها تنها به عنوان دو همخانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (ستوده، ۱۳۸۸: ۹۴). در تحقیق حاضر برای بررسی ارتباطات میان‌فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی زوجین از نظریه استفاده و رضامندی و نظریه گاتمن و دیدگاه کسلر و نظریه طلاق به عنوان فرایندی روانشناختی بهره گرفته شده است. از نظریه استفاده و رضامندی برای تاکید بر نقش فعال مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی مجازی برای انتخاب نوع محتوا، و عضویت در صفحات اینستاگرام استفاده شده است. نظریه استفاده و رضامندی ضمن فعال انگاشتن مخاطب، بر نیازها و انگیزه‌های وی در استفاده از رسانه‌ها تاکید می‌کند و بر آن است که ارزشها، علایق، و نقش اجتماعی مخاطبات مهم است و افراد بر اساس این عوامل، آنچه می‌خواهند ببینند و بشوند، انتخاب می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۲). فرض اصلی رویکرد استفاده و خشنودی این است که افراد

89..... بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

مخاطب کم و بیش به صورت فعال به دنبال محتوایی هستند که بیشترین خشنودی را فراهم کند. درجه این خشنودی به نیازها و علایق فرد بستگی دارد (هرسج و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۹).

طلاق به عنوان فرایندی روانشناختی بر اساس تحقیقات بالینی کسلر (۱۹۷۵)، نقل شده توسط گاتمن، (۱۹۹۳)، پایه‌گذاری شده است. نظریه کسلر (۱۹۵۷) براساس مشاهدات بالینی وی طی سال‌ها کار بر روی افرادی که طلاق گرفته‌اند، شکل گرفته است. از دیدگاه وی، فرایند طلاق به هفت مرحله هیجانی یا عاطفی تقسیم می‌شود: الف) بیداری یا آگاهی اولیه؛ ب) مرحله افول علاقه یا تقلیل ارتباط زن و شوهر؛ ج) مرحله کناره‌گیری؛ د) مرحله جدایی فیزیکی و جسمی؛ ه) مرحله ماتم؛ و) مرحله آگاهی یا بیداری ثانویه؛ ز) مرحله کشف خود و تلاش جدی. کسلر تاکید می‌کند که افراد مختلف این هیجانات یا عواطف را به طرق متفاوتی تجربه می‌نمایند؛ به گونه‌ای که نقطه شروع و خاتمه فرایند به خوبی مشخص نیست. همچنین مدت زمان طی این مراحل به ساختار روان شناختی افراد بستگی دارد و ممکن است در افراد مختلف، متفاوت باشد. در این مدل، اولین مرحله بلاتکلیفی (سرخوردگی) است. در این مرحله، تفاوت‌ها و مشکلات در ازدواج کشف می‌شوند. همه ازدواج‌ها باید تا حدی این امر را تجربه نمایند، دوره‌ای که کسلر آن را به عنوان کشف نام می‌برد. برخی از زوجین به تفاوت‌ها توجه و سعی در کاهش آنها برمی‌آیند که می‌تواند ازدواج‌شان را تقویت نماید. زوجینی که بر تفاوت‌ها و مشکلات تاکید می‌کنند احتمالاً به مرحله دوم فرایند طلاق خواهند رفت که فرسایش نامیده می‌شود. زوجینی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برای کاهش مشکلات‌شان تلاش نمایند احساس خشم و ناکامی از تحلیل ازدواج‌شان خواهند داشت. در مرحله سوم، یعنی کناره‌گیری، زوجین از هم فاصله می‌گیرند و علاقه‌مندی خود را به رابطه زناشویی از دست می‌دهند. این مرحله با کاهش قابل ملاحظه سرمایه‌گذاری بر ازدواج مشخص می‌شود که منجر به جدایی عاطفی می‌شود. اغلب به این مرحله آسیب‌زاترین جنبه فرایند طلاق گفته می‌شود. مرحله بعد، جدایی جسمی زوجین است که معمولاً منجر به احساس تنهایی، اضطراب و سردرگمی می‌شود. زوجینی که شروع کننده جدایی باشند ممکن است احساس گناه بیشتری نمایند در حالی که زوجی که شروع کننده نبوده احساس طرد و از دست دادن را تجربه نماید. زمانی که جدایی جسمی کامل می‌شود افراد باید خود را از حضور روان شناختی یکدیگر رها سازند و به مرحله بعد یعنی عزاداری بروند. در این مرحله، زوجین باید یاد بگیرند به خودشان به عنوان افراد مستقل از یکدیگر فکر کنند و به

شکلی برای از دست دادن ازدواج عزاداری نماید. مرحله بعد، نوجوانی دوم، در چهارچوب‌های نظری مختلف خاص است. کسلر آن را به عنوان زمان تفریح که در آن افراد می‌توانند به آینده بدون احساس گناه و خشم نگاه کنند و به خودشان اجازه دهند طرح‌هایی برای خودشان داشته باشند دسته‌بندی می‌کنند. در آخرین مرحله یعنی کشف و کار سخت، برنامه‌ها و اهداف شروع شده در مرحله قبلی تعریف می‌شوند و ارزیابی مجدد می‌گردد طرح‌ها واقعی‌تر می‌شوند و افراد مهارت بیشتری بر اعمال‌شان پیدا می‌کنند (صدیقی نیازی و ارفعی، ۱۳۸۸). با توجه به شاخص‌هایی که در نظریه کسلر (طلاق به عنوان فرایندی روانشناختی) بیان شد و نظریه استفاده و خشنودی، می‌توان گفت عوامل محیطی، روانی و اجتماعی متفاوتی بر عملکرد افرادی که احساس تنهایی دارند، اثر می‌گذارد. اگر افراد نتوانند در محیط طبیعی خانواده یک رابطه خوب برقرار کنند، ممکن است برای پر کردن این خلأ عاطفی به شبکه‌های اجتماعی مجازی پناه برده و به دنبال برقراری ارتباطات میان‌فردی در شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام باشند و بر این اساس از روابط واقعی زندگی روز به روز دورتر شده و روابط میان فردی ایشان در خانواده سردتر و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق:

این پژوهش از حیث هدف جزو تحقیقات کاربردی است و از نظر روش توصیفی است که با تکنیک پیمایشی است و ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کاربران فضای مجازی که درگیر طلاق بوده و در مراکز مشاوره خانواده طی سال‌های ۹۷ تا ۹۹ تشکیل پرونده داده‌اند که تعداد ۴۵۰۰ پرونده در استان البرز بودند. به منظور محاسبه حجم نمونه با توجه به جدول مورگان حجم نمونه ۳۰۰ نفر انتخاب شد و روش نمونه‌گیری بصورت هدفمند بود. در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته طلاق عاطفی بر اساس نظریه طلاق گاتمن (۱۹۹۷) و نظریه طلاق روانی کسلر (۱۹۷۵)، شامل ارتباطات میان فردی در اینستاگرام با ۵ گویه و جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم‌صحبت، احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری، هر کدام با ۶ گویه استفاده شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از اعتبار صوری بهره گرفته شد و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹، مورد تایید قرار گرفت. با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده تست شد و با توجه به نرمال بودن توزیع، برای

91..... بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

تحلیل داده‌های تحقیق از آزمون آماری رگرسیون و پیرسون استفاده گردید. سپس با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام شد.

یافته‌های تحقیق

الف- یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان داد که از ۳۰۰ نمونه انتخاب شده ۱۱۶ نفر (۳۸/۷ درصد) زن و ۱۸۴ نفر (۶۱/۳ درصد) مرد بوده‌اند. همچنین از ۳۰۰ نمونه انتخاب شده ۲۷ نفر (۹ درصد) کمتر از ۳۰ سال؛ ۱۵۴ نفر (۵۱/۳ درصد) بین ۳۰ تا ۴۰ سال؛ ۸۱ نفر (۲۷ درصد) بین ۴۰ تا ۵۰ سال؛ ۳۸ نفر (۱۲/۷ درصد) بالاتر از ۵۰ سال بوده‌اند. و بدین ترتیب از ۳۰۰ نمونه انتخاب شده ۵۴ نفر (۱۸ درصد) دیپلم و کاردانی؛ ۱۵۴ نفر (۵۱/۳ درصد) کارشناسی؛ ۹۰ نفر (۳۰ درصد) کارشناسی ارشد و ۲ نفر (۰/۷ درصد) دکتری بوده‌اند.

در این بخش شاخص‌های آماری میانه، انحراف استاندارد و درصد خطا (متغیر مستقل و وابسته) گزارش شده است. در واقع این شاخص‌ها می‌تواند به درک بیشتر متغیرهای پژوهش کمک کند.

جدول (۱). توصیف متغیرهای پژوهش

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار استاندارد	واریانس	کشیدگی	چولگی
ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام	33/1	5	3756/3	64389/0	415/0	004/0	100/0 -
جدایی و فاصله از یکدیگر	17/1	5	2783/3	84272/0	71/0	631/0-	363/0
احساس تنهایی و انزوا	1	5	6183/3	94604/0	895/0	430/0	889/0 -
نیاز به همراه و هم صحبت	33/1	5	4833/3	71110/0	506/0	033/0-	430/0 -
احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری	50/1	83/4	2806/3	54412/0	296/0	298/0	032/0

باتوجه به جدول (۱) مشاهده می‌شود که بالاترین مقدار میانگین متعلق به متغیر "احساس تنهایی و انزوا" و کمترین مقدار آن متعلق به متغیر جدایی و فاصله از یکدیگر است. هم‌چنین از آنجایی که مقدار چولگی در بازه (۳- و ۳+) قرار دارد، بنابراین می‌توان گفت داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند.

ب- یافته‌های استنباطی

در این پژوهش از آزمون معتبر کلموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای اصلی استفاده شد.

جدول (۲). تست نرمالیتت متغیرها

متغیر	نوع توزیع به کار گرفته شده	سطح معناداری	مقدار خطا	تایید فرضیه	نتیجه
ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام	نرمال	089/0	05/0	H0	نرمال
جدایی و فاصله از یکدیگر	نرمال	115/0	05/0	H0	نرمال
احساس تنهایی و انزوا	نرمال	078/0	05/0	H0	نرمال
نیاز به همراه و هم صحبت	نرمال	096/0	05/0	H0	نرمال
احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری	نرمال	105/0	05/0	H0	نرمال

با توجه به مقادیر حاصل از آماره اسمیرنوف - کلموگروف جدول ۲، میتوان استنباط نمود که توزیع مورد انتظار با توزیع مشاهده شده برای تمام متغیرها تفاوت معنی‌داری ندارد و بنابراین توزیع این متغیرها نرمال است.

آزمون فرضیات

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

93..... بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

جدول (۳). ضریب همبستگی فرضیه اول

جدایی و فاصله از یکدیگر	ارتباطات میان فردی	
461/0	1	ضریب پیرسون
000/0		سطح معناداری
300	300	تعداد
1	461/0	ضریب پیرسون
	0000/0	سطح معناداری
300	300	تعداد

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه اول کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می توان گفت که فرضیه اول تایید و فرض صفر آن رد می شود. مقدار و علامت ضریب این آزمون نیز جهت و قدرت رابطه را نشان می دهد. پس می توان گفت که بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۰/۴۶۱ که اشاره دارد ه مقدار از متغیر وابسته جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین میتواند توسط متغیر مستقل بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام تبیین شود.

جدول (۴). آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	143/45	143/45	1	459/80	000/0
باقی مانده	199/167	561/0	298		
کل	343/212		299		

جدول ۴ میزان تاثیر متغیر مستقل یعنی ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بر متغیر وابسته یعنی جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین نشان می دهد.

جدول (۵). ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	370/5	000/0
ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی	461/0	970/8	000/0

ضرایب رگرسیون نیز تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تایید می‌کند. با توجه به ضرایب ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی، فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله از یکدیگر در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. یعنی فرض صفر فرضیه اول رد و فرض یک تایید می‌گردد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۶). ضریب همستگی فرضیه دوم

احساس تنهایی و انزوا	ارتباطات میان فردی	ضریب همستگی
388/0	1	ضریب پیرسون
000/0		سطح معناداری
300	300	تعداد
1	388/0	ضریب پیرسون
	000/0	سطح معناداری
300	300	تعداد

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه دوم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه دوم تایید و فرض صفر آن رد می‌شود. مقدار و علامت ضریب این آزمون نیز جهت و قدرت رابطه را نشان می‌دهد. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین وجود دارد. پس می‌توان گفت که بین ارتباطات میان فردی در

95..... بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۰/۳۸۸ که نشان می‌دهد که چه مقدار از متغیر وابسته احساس تنهایی و انزوا در زوجین می‌تواند توسط متغیر مستقل بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام تبیین شود.

جدول (۷). آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	380/40	380/40	1	958/52	000/0
باقی مانده	225/227	762/0	298		
کل	605/267		299		

جدول (۷) میزان تاثیر متغیر مستقل یعنی ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بر متغیر وابسته یعنی احساس تنهایی و انزوا در زوجین نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر گذار است.

جدول (۸). ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	278/6	000/0
ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی	388/0	277/7	000/0

با توجه به ضریب ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی، فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. در نتیجه می‌توان گفت بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. یعنی فرض صفر فرضیه دوم رد و فرض یک تایید می‌گردد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۹). ضریب همبستگی فرضیه سوم

		ارتباطات میان فردی	نیاز به همراه و هم صحبت
ارتباطات میان فردی	ضریب پیرسون	1	482/0
	سطح معناداری		000/0
	تعداد	300	300
نیاز به همراه و هم صحبت	ضریب پیرسون	482/0	1
	سطح معناداری	000/0	
	تعداد	300	300

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه سوم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه سوم تایید و فرض صفر آن رد می‌شود. مقدار و علامت ضریب این آزمون نیز جهت و قدرت رابطه را نشان می‌دهد. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است، بنابراین رابطه مستقیم بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین وجود دارد. پس می‌توان گفت که بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۰/۴۸۲ که اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین نشان می‌دهد.

جدول (۱۰). آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	098/35	098/35	1	089/90	000/0
باقی مانده	097/116	390/0	298		
کل	194/151		299		

97 بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

جدول ۱۰ میزان تاثیر متغیر مستقل یعنی ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بر متغیر وابسته یعنی نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین نشان می دهد. همانطور که مشاهده می کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثر گذار است.

جدول (۱۱). ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معنادار
مقدار ثابت	-	759/8	000/0
ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی	482/0	492/9	000/0

با توجه به ضریب ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی، فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می گیرد. در نتیجه می توان گفت بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با نیاز به همراه و هم صحبت در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. یعنی فرض صفر فرضیه سوم رد و فرض یک تایید می گردد.

فرضیه چهارم: به نظر می رسد بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی حوصلگی و بی قراری در زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱۲). ضریب همبستگی فرضیه چهارم

ارتباطات میان فردی	احساس بی حوصلگی و بی قراری
ضریب پیرسون	574/0
سطح معناداری	000/0
تعداد	300
ضریب پیرسون	574/0
سطح معناداری	000/0
تعداد	300

همانطور که در جدول ۱۲ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری فرضیه چهارم کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی حوصلگی و

بی‌قراری در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه چهارم تایید و فرض صفر آن رد می‌شود. مقدار و علامت ضریب این آزمون نیز جهت و قدرت رابطه را نشان می‌دهد. از آنجایی که علامت ضریب مثبت است بنابراین رابطه مستقیم بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین وجود دارد. پس می‌توان گفت که بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر است با ۰/۵۷۴ که اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین نشان می‌دهد.

جدول (۱۳). آزمون F جهت معنادار بودن رگرسیون

متغیر	مجموع مربعات	میانگین مربعات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رگرسیون	204/29	204/29	1	704/146	000/0
باقی مانده	322/59	199/0	298		
کل	525/88		299		

جدول ۱۳ میزان تاثیر متغیر مستقل یعنی ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام بر متغیر وابسته یعنی احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌کنید مقدار معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین به طور کلی می‌توان گفت متغیر مستقل بر متغیر وابسته اثرگذار است.

جدول (۱۴). ضرایب تاثیر رگرسیون

متغیر	بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-	926/11	000/0
ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی	574/0	112/12	000/0

99 بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

ضرایب رگرسیون نیز تاثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را تایید می کند. با توجه به ضریب ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی، فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می گیرد. در نتیجه می توان گفت بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی حوصلگی و بی قراری در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. یعنی فرض صفر فرضیه چهارم رد و فرض یک تایید می گردد.

بحث و نتیجه گیری

افزایش استفاده از شبکه های اجتماعی تحت موبایل این روزها به رغم استفاده های مفیدی که دارد، در کنار اشتغال به کار طولانی والدین و تغییر نگرش والدین به تربیت فرزندان، موجبات دوری اعضای خانواده از یکدیگر را فراهم ساخته است به گونه ای که به رغم نزدیکی فیزیکی و در زیر یک سقف بودن در داخل خانواده، گاه فاصله عاطفی و معنوی زیادی را از یکدیگر تجربه می کنند و افراد خانواده کمترین مراودات و گفتگوی همدلانه را با هم دارند. این موضوع آسیب هایی را نیز در خانواده ها به وجود آورده که در کنار سایر عوامل مخرب در روابط خانوادگی، موجبات سست شدن بنیاد خانواده ها و طلاق عاطفی زوجین و کم رنگ شدن صمیمیت میان اعضای خانواده و همچنین گسترش شکاف نسلی را فراهم کرده است. کارشناسان علوم ارتباطات علت بسیاری از خشونت های خانگی را نبود ارتباط و تعامل صحیح و گفتگوی همدلانه در بستر خانواده ذکر کرده اند. نتایج این پژوهش نشان داد هرچه افراد از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده کنند و درگیر این فضا شوند بیشتر اقدام به پنهان کاری و سرد شدن روابط با زوج و در دراز مدت باعث ظاهر سازی و ریاکاری بین آنها خواهد شد که در نهایت منتج به طلاق عاطفی می شود. این یافته با یافته های دیگر مطالعات که ریاکاری، دروغ گفتن، پر خاشگری، ظاهر سازی، تفکر سنتی، لجبایت، حسادت و دیگر عوامل فردی همچون تحمل بالا نداشتن را از عوامل طلاق عاطفی می دانست، همخوانی دارد. با توجه به تایید فرضیات فرعی می توان گفت نتایج این پژوهش با نظریه کسلر (طلاق به عنوان فرایندی روانشناختی) همسو بوده است. یکی از کارکردهای شبکه های مجازی قطع ارتباط با اعضای خانواده است. اگر فعالیت در فضای مجازی موجب قطع ارتباط زوجین از یکدیگر شود به عنوان طلاق عاطفی مطرح می شود. شبکه های اجتماعی به دلایل تنوع و محتوایی متنوعی که دارند مخاطبین زیادی را به خود جذب نموده اند بارها برای ما این اتفاق افتاده که به دنبال مطلبی در شبکه های اجتماعی هستیم ولی ناخواسته سر از دیگر کانال های آن شبکه در می آوریم و ناگهان

متوجه می‌شویم که ساعت‌های متمادی را در این شبکه‌ها گذرانده‌ایم که همین امر زوجین را از زندگی عادی خارج نموده و به سوی طلاق عاطفی و سردی روابط زوجین می‌رساند. در این تحقیق نیز همسو با راسل و کلاینتون (۲۰۱۴)، والنزولا و همکاران (۲۰۱۴) نشان داده شده است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی و به ویژه اینستاگرام با طلاق عاطفی زوجین ارتباط دارد. همچنین نتایج این تحقیق همسو با تحقیق نقشبندی و همکاران (۱۴۰۱)، موحد و همکاران (۱۴۰۱) و بهادری و همکاران (۱۴۰۰) قرار گرفت. همچنین در پژوهش ملکیان و بهادری (۱۳۹۶)، نتیجه‌گیری می‌کند که رابطه مستقیم بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین وجود دارد. پس می‌توان گفت که بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس بی‌حوصلگی و بی‌قراری در زوجین رابطه معناداری وجود دارد. طبق نتایج بدست آمده از این پژوهش رابطه مستقیم بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با احساس تنهایی و انزوا در زوجین وجود دارد. نیاز به همراهی و هم‌صحبتی در زوجین باعث ورود به شبکه‌های اجتماعی و به ویژه اینستاگرام می‌گردد و زوجین تلاش می‌کنند تا خلا ارتباط متقابل در خانواده را با گذراندن زمان در شبکه اجتماعی اینستاگرام پر کنند. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند که بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با جدایی و فاصله زوجین از یکدیگر رابطه معناداری وجود دارد.

منابع

- اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۲). پی آمدهای طلاق در گذار از مراحل آن. فصلنامه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان (مطالعات زنان). ۱(۳). صص ۱۲۵-۱۵۲.
- اسکافی، مریم، ترکمان، فرح، ساروخانی، باقر. (۱۳۹۴). اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- اسکندری، حسین، کاظمی، کاظم. (۱۳۹۳). بررسی جهت‌گیری‌های ارزشی جوانان و عوامل موثر بر آن، فصلنامه پژوهشی در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۲، دوره جدید، شماره ۲۲، ۹۸-۸۱.
- امیدوار، احمد؛ صارمی، علی اکبر. (۱۳۸۱). اعتیاد به اینترنت توصیف، سبب‌شناسی، پیشگیری، درمان و مقیاس‌های سنجش اختلال اعتیاد به اینترنت. مشهد: انتشارات تمرین.
- باومن، زیگمونت. (۱۳۹۴). عشق سیال. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: ققنوس.
- بهادری، مریم، ملکیان، نازنین، هاشم‌زهی، نوروز. (۱۴۰۰). ارتباط فضای مجازی و طلاق عاطفی همسران. پژوهش‌های جامعه‌شناسی. ۱۵(۲). ۲۰۱-۲۱۸.

101..... بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی

- پروین، ستار، داودی، مریم، محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۶). صص ۱۱۹-۱۵۳.
- حاجیزاده میمندی، مسعود؛ مداحی، جواد؛ کریمی، یزدان؛ حدت، الهه؛ غروری، ملینا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۱۸(۷۱)، صص ۸۵-۱۰۸.
- خطیب زاده، سمیرا، بنی هاشمی، محسن، سبحانی، عبدالرضا، علیشیری، بهرام. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت زنان ایرانی در فضای مجازی: صفحات اینستاگرامی. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۶۰، ۵۱-۱۳.
- درستانی، مریم؛ روحانی، مهدی (۱۳۹۳). پدیده‌های جدید فضای مجازی در ایران از دیدگاه کارشناسان ارتباطات. مطالعات رسانه‌ای، ۹(۲۶)، صص ۶۸-۵۳.
- رحیمی، محمد؛ پرند، رادبه و نقی پور، پریسا. (۱۳۹۴). «بررسی جامعه شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط زناشویی زوجین مطالعه موردی مزدوجین ۵ سال اخیر شهر خلخال»، منتشر شده در کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
- روزنامه دنیای اقتصاد، ۹ مهرماه ۱۳۹۸، شماره ۴۷۱۸.
- رهگذر، حسن، بردیده، محمدرضا، ایزدجو، مهسا. (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۶(۴)، ۶۲-۷۵.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- صباغی، حمیدرضا. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر ارتباطات میان فردی نامتعارف، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات آوای نور.
- صدیقی ارفعی، فریبرز و نیازی، محسن. (۱۳۸۸). روان‌شناسی طلاق (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)، تهران: نشر دعوت.
- صیادی، پری، عطایی، پری. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر استفاده از اینترنت بر روابط افراد در خانواده، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی شوشتر، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۷، صص ۳۱۳-۳۴۲.
- غلامزاده بافتی، طیب، جمالی بافتی، طیب. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و رضایت زناشویی در بین دانشجویان متأهل، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ویژه‌نامه بهار. دوره ۱۲، صص ۱۱۵۱-۱۱۶۵.
- مک کوییل، دنیس. (۱۳۸۵). نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز جلالی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ملکیان، نازنین، بهادری، مریم. (۱۳۹۶). استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تعهد و صمیمیت زوجین. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۹(۳۶)، صص ۳۱-۵۰.
- موحد، احمد، عباسی، زهره، تقی زاده، راضیه، دری، فاطمه، طاقتی، فاطمه. (۱۴۰۱). نقش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل در پیش‌بینی طلاق عاطفی و آمادگی طلاق زنان متأهل شهر قاین. فصلنامه زن و جامعه، ۱۳(۵۱)، ۱۱۵-۱۳۲.
- مهدی‌زاده، سید محمد. (۱۳۹۱). نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری.

نقش‌بندی، شیمای، خواجه نوری، بیژن، عباسی شوازی، محمدتقی. (۱۴۰۱). تبیین رابطه بین مصرف رسانه‌ای و طلاق عاطفی، با تأکید بر محتوای رسانه‌ها (مورد مطالعه: زنان متاهل شیراز). دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران. ۱۳ (۱). ۲۴۹-۲۶۹.

هرسیچ، حسین، محمود اوغلی، رضا، عیسی‌نژاد، امید، و رهبر قاضی، محمودرضا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیرات مصرف رسانه‌ای بر هویت اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره ۳. ۷۵-۹۲.

یزدانی، عباس، حقیقتیان، منصور. کشاورز، حمید. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی شهر کرد)، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۲، ش ۶. صص ۱۵۹-۱۸۵.

Guttman, Joseph. (1993). *Divorce in psychological perspective; theory and research*. Lawrence Elbaum Associates Publishers.

Rainnie, L. & Wellman, B. (2012). *Networked, the new social operating system*. MIT Press.

Russell B, MA. Clayton, MA. (2014). *Cyber psychology, Behavior, and Social Networking*. Department of Journalism, University of Missouri-Columbia, Columbia, Missouri, 17 (7). Pp 425-430.

Valenzuela, S.; Halpern, D. & James E. K. (2014). *Social network sites, marriage well-being and divorce. Survey and state-level evidence from the United States*. 36. Pp 94-101.

Zheng, S., Duan, Y., & Ward, M. R. (2019). *The effect of broadband internet on divorce in China*. *Technological Forecasting and Social Change*, 139, 99-114.